

همبستگی اجتماعی در گروه‌های قومی: مطالعه موردی استان گلستان

حمید ملکی*

چکیده

این مقاله نتیجه تحقیقی است که به منظور سنجش میزان همبستگی اجتماعی و بررسی عوامل تهدیدکننده با تأکید بر بیگانگی اجتماعی و تمایلات قومی و همچنین عوامل تقویت‌کننده و نگهدارنده همبستگی و انسجام از قبیل هویت ملی و روابط اجتماعی و فرهنگی در یکی از گروه‌های قومی کشور به روش پیمایشی اجرا و سپس میزان مشاهده شده، در چارچوب امنیت اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل، نشان می‌دهد که میزان همبستگی اجتماعی در اثر افزایش تمایلات قومی و بیگانگی اجتماعی، تضعیف و ضریب امنیتی را در جامعه کاهش می‌دهد و گرایش بیشتر به مصادیق و ابعاد هویت ملی و افزایش تراکم و تعاملات اجتماعی و فرهنگی، همبستگی اجتماعی را با جامعه عام، ارتقا و سبب کاهش تمایلات قومی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: همبستگی اجتماعی، تمایلات قومی، استان گلستان، امنیت اجتماعی، امنیت ملی.

* دکتر ملکی دارای دکترای دفاع ملی از دانشگاه عالی دفاع ملی می‌باشند.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دهم • شماره اول • بهار ۱۳۸۶ • شماره مسلسل ۳۵

مقدمه

یکی از واقعیت‌های ژئوپولیتیکی میهن ما این است که مرزهای سیاسی ایران بر مرزهای فرهنگی و اجتماعی آن منطبق نیست. بنابراین در مطالعه مسایل اجتماعی و فرهنگی و نقش آن در امنیت ملی کشور، تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی، به ویژه در پیرامون را نمی‌توان نادیده انگاشت.

از طرف دیگر، بروز برخی ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تبعات جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی چندین ساله و تحریکات بیگانه، همچنین تحولات سریع بین‌المللی به ویژه در عرصه ارتباطات، ارزش‌های حیاتی مورد توافق جامعه را شدیداً تحت تأثیر قرار داده که می‌تواند به کاهش همبستگی اجتماعی و انسجام در مقابله با نفوذ فرهنگی و سیاسی و نیز تهدیدات امنیت ملی بیانجامد.

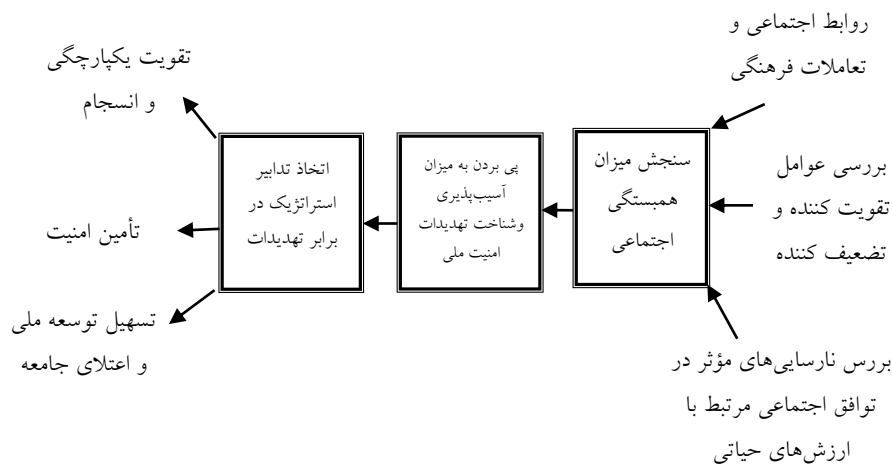
همبستگی اجتماعی شامل مجموعه‌ای از عوامل و عناصر عدیده‌ای است که امکان ارتباط درونی و پیوستگی افراد یک کشور را در واکنش به مسائل خاص از جمله پایداری در قبال مسائل مهم امنیتی، به ویژه پاسخگوئی به تهدیدات امنیت ملی در ابعاد مختلف، فراهم و بدین ترتیب، استحکام و ثبات جامعه را میسر می‌سازد.

ابهام و عدم وجود سیاست‌های انسجام‌بخش و نابرابری در فرصت‌های توسعه‌ای در جامعه چندقومی، سبب رشد هویت‌های قومی و به تبع آن تضعیف همبستگی اجتماعی می‌گردد. (۱) از سوی دیگر، تغییر در ارزش‌ها و ضعف در اعتقادات فردی به نظام اجتماعی و ضعف کنترل درونی و بیرونی، موجب انحراف شده (۲) و یا احساس بی‌عدالتی و وجود محرومیت نسبی و بدبینی در جامعه، ممکن است سبب بروز بیگانگی اجتماعی و فرهنگی گردیده و در نتیجه پیوندهای اجتماعی، سست و همبستگی اجتماعی کاهش یابد.

علاوه بر مسائل ذکر شده، با توجه به سیاست امنیتی قدرت‌های برتر مبنی بر شکل‌گیری دولت‌های جدید بر پایه ساختارهای فرهنگی، قومی، زبانی و نژادی (۳) در سطح جهان، ممکن است میهن ما نیز به عنوان بخشی از مناطق ژئوپلیتیک خاورمیانه، تحت تأثیر این تحریکات قرار گیرد. بنابراین، تحقق همبستگی اجتماعی و تقویت پیوند میان اقوام، ضرورت می‌یابد.

در این راستا، توافق در حفظ ارزش‌های بنیادین و حیاتی کشور از جمله تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، ارزش‌های ملی، قواعد و هنجارهای ارزشی جامعه و توسعه تعاملات و روابط سازنده میان اقوام مختلف، بیشترین تأثیر را در تقویت همبستگی و انسجام دارد. در نتیجه این تدبیر، ثبات سیاسی استمرار پیدا کرده و نهایتاً سطح امنیت اجتماعی ارتقا خواهد یافت.

بررسی علمی و سنجش میزان همبستگی اجتماعی در جامعه مورد مطالعه و عناصر تقویت کننده و تهدیدکننده آن و همچنین، تبیین تأثیر این عنصر نامحسوس قدرت ملی در امنیت ملی به لحاظ تعمیم‌پذیری نتایج به دست آمده در جامعه چندقومی ایران، با توجه به شرایط کنونی محیط بین‌الملل حائز اهمیت می‌باشد. در تبیین ضرورت تحقیق و اهمیت موضوع، می‌توان از نمودار زیر بهره گرفت:



از جمله عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، میزان تمایلات قومی و بیگانگی اجتماعی و فرهنگی در جامعه مورد مطالعه می‌باشد و ضمن آنکه به نوع ارتباط این دو متغیر با همبستگی اجتماعی، به عنوان فرضیه مهم پژوهشی، پرداخته شده است، میزان تأثیر روند و عامل مهم اجتماعی در متغیر تابع نیز ارائه می‌گردد. از مهمترین عوامل تقویت کننده همبستگی و انسجام اجتماعی، گرایش به هویت ملی و مصادیق و ابعاد آن

و همچنین افزایش تراکم روابط و تعاملات فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

هدف ویژه و نهایی مقاله حاضر، بیان تحلیلی از چگونگی تأثیر میزان همبستگی اجتماعی بر چارچوب امنیت ملی می‌باشد. پس از جمع‌بندی نتایج و بررسی آنها، فرضیه‌ها تجزیه و تحلیل و به منظور رفع آسیب‌پذیری و نقاط ضعف، پیشنهادات اجرایی و راهکارهای عملی ارائه خواهد گردید.

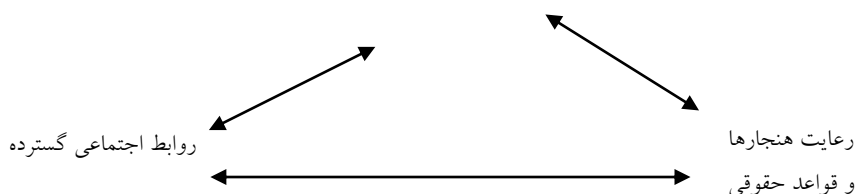
تحریر این مقاله بر اساس نتایج تحقیقی است که در سال ۱۳۸۳ به روش پیمایشی انجام شده است. بر این اساس، پرسش‌نامه‌ای که در مقیاس لیکرت تدوین شده بود، در میان ۲۰۰ نفر از ترکمن‌های شهرنشین گنبد در استان گلستان توزیع شد. این ۲۰۰ نفر، شامل زن و مرد سنین ۱۶ سال به بالا بودند که بر اساس فرمول شارپ و کوکران، با خطای ۷٪ و ضریب اطمینان ۹۰٪، به روش نمونه‌گیری طبقاتی متناسب از میان گروههای سنی متفاوت و به تصادف انتخاب شدند.

الف. تمهیدات نظری

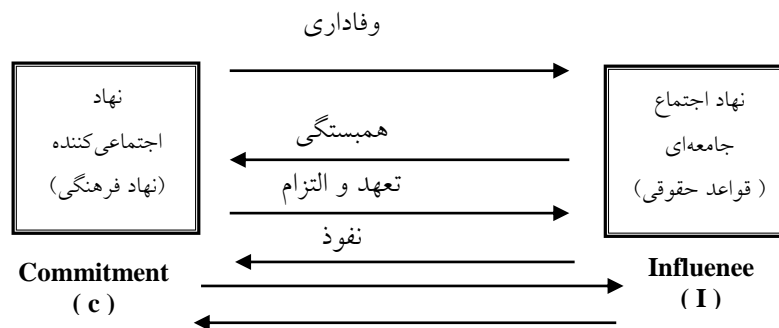
به منظور دسترسی به شاخص‌های قابل اعتماد و مقیاس‌های معتبر در خصوص سنجش میزان همبستگی اجتماعی، ابتدا ضمن بررسی نظریات دانشمندان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، توافق و اشتراک نظر آنان در عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده همبستگی و انسجام به عنوان بخشی از فرآیند توصیفی تحقیق مطرح نظر قرار گرفته، سپس ارتباط مفهومی میان متغیرهای مرتبط و مؤثر در موضوع مورد مطالعه، انتخاب و در نهایت، چارچوب تئوریک تحقیق تبیین می‌گردد.

امیل دورکهایم، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است که همبستگی اجتماعی، روابط اجتماعی و تعهدات متقابل، با یکدیگر رابطه دارند و تنظیم‌کننده این روابط، قواعد حقوقی‌اند که بهترین معرف و شاخص همبستگی اجتماعی به حساب می‌آیند. در اثر عدم رعایت قواعد و هنجارها، هرج و مرج و بی‌نظمی به وجود می‌آید. (۴)

همبستگی اجتماعی



تالکوت پارسونز در تشریح نظام مبادله و نقش اجتماع جامعه‌ای (نهاد انسجام‌بخش)، معتقد است که هرچه هنجارها و قواعد اجتماعی بیشتر مورد پذیرش قرار گیرد، آن اجتماع از نفوذ بیشتری برخوردار است. هرچه پذیرش هنجارها و نفوذ در اجتماع بیشتر باشد، همبستگی و اجماع میان افراد بیشتر خواهد بود. به نظر وی، این نظام مبادله نمی‌تواند بدون واسطه یا میانجی (تعهد، التزام و نفوذ) که موجب سهولت در ارتباط و مبادله می‌شود، به حیات خود ادامه دهد.



هرچه وفاداری و التزام به قواعد حقوقی بیشتر، نظم و همبستگی بهتر و بیشتر و بالعکس. حقوق، قوانین و نهادهای حقوقی (نهاد اجتماع جامعه‌ای)، وظیفه ایجاد همبستگی و انسجام را در بین اعضا بر عهده دارد. (۵)

برخی جامعه‌شناسان نیز همبستگی و انسجام را از دیدگاه مسائل اجتماعی نظم کلان و به تاسی از پارسونز در چارچوب اجیل مورد تحقیق قرار داده و معتقدند نظم کلان جامعه با چهار مشکل اساسی روبروست:

۱. تفاهم نمادی، شامل وجودشناسی و استانداردهای شناختی و فلسفه وجود مشترک، هویت، مرجع قانونی مشترک و تفاهم اجتماعی و ارزشی (نظم جامعه‌ای بدون چارچوب نمادی مشترک غیر قابل تصور است).

۲. تنظیم اجتماعی (هویت‌های متفاوت با مرزهای فرهنگی مربوطه، نیاز به تنظیم اجتماعی اساسی دارند). تعاملات بین گروهی به تعمیم وابستگی عاطفی و تعهد درونی افراد و تجرید ارزشی برای نظام فرهنگی جامعه منجر می‌شود. تعاملات درون‌گروهی موجب کاهش انسجام عام و تفاهم بین‌گروهی سبب تقویت انسجام کل و اختلال در انسجام محلی می‌گردد.

۳. تنظیم سیاسی، تنظیم نظارت بیرونی شامل میزان مشروعیت قواعد بازی از سوی اکثریت (میزان پذیرش قواعد برای اعمال قدرت نظارت از سوی اکثریت).

اعتماد اجتماعی نسبت به دارندگان و بازیگران قدرت (میزان اطمینان به بازیگران صحنه دولت).

۴. در بیان تعمیم ساختاری، با طرح مسأله ادخال اجتماعی، به اهمیت هویت جمعی نسبت به سایر هویت‌ها در اثر روابط متقابل و سازنده اشاره و به مرجع‌بودن نظام فرهنگی عام برای خرده‌فرهنگ‌ها و تعمیم ارزشی می‌پردازد. (۶) آنان معتقدند که بروز اختلال اجتماعی در این ابعاد، سبب کاهش انسجام و وفاق اجتماعی می‌گردد.

ضعف در احساسات و پنداشت‌ها، رموز و اصول فرهنگی مشترک، اختلال نمادی به حساب آمده و آزادی فردی، زمانی می‌تواند مکمل نظم اجتماعی قرار گیرد که دارای چارچوب نمادی آرمانی در سطح کل جامعه باشد. آزادی فردی مستلزم وحدت نمادی و مفاهمه فرهنگی تعمیم‌یافته است.

اختلال هنجاری، ناقض آزادی فردی بوده و در این شرایط، افراد نمی‌توانند به آزادی برسند؛ بلکه به جای آن دچار ناهنجاری (آنومی فردی) می‌شوند. ناهنجاری فردی زمینه را برای رشد ناهنجاری اجتماعی فراهم می‌نماید که نتیجه آن هرج و مرج است.

بائین‌بودن چگالی روابط اجتماعی و فرهنگی و تعدد و شدت آن، سبب کم‌رنگ‌شدن هویت جامعه‌ای و احترام متقابل می‌گردد و در نتیجه، انسجام اجتماعی خدشه‌دار می‌شود. در بعد اختلال توزیعی، چنانچه توزیع نابرابر و نامناسب منابع ارزشمند (ثروت، قدرت، منزلت، دانش)، مزمن شود، دسترسی اکثریت به این منابع محدود و فرصت‌ها تحدید می‌شود. در بعد اجتماعی، نابرابری‌ها زمینه عینی وفاق اجتماعی را محدود کرده و در بعد سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی را تقلیل می‌دهند. (۷)

پیتر بلاو در خصوص یکپارچگی و انسجام اجتماعی، رهیافت کاملاً متفاوتی ارائه می‌دهد. وی بر مبنای عوامل و جایگاه‌های اجتماعی، دو صورت تمایز نوعی را مشخص می‌سازد. نخستین صورت تمایز، ناهمگونی است که بر اساس آن توزیع جمعیت در میان گروه‌های گوناگون بر حسب عوامل درجه‌بندی‌شده مشخص می‌شود. هر جامعه‌ای می‌تواند نابرابری‌های فراوانی را تحمل کند؛ ولی هرگز ناهمگونی‌های بیش از حد را نمی‌تواند تاب آورد.

در بررسی ناهمگونی قومی، بلاو برای روشن‌ساختن رهیافت خود از جمله به قضیه یکپارچگی اجتماعی می‌پردازد. او بر خلاف لیپست و پارسونز معتقد نیست که یکپارچگی حاصل عواملی چون ارزش‌ها و هنجارهاست؛ بلکه بر این باور است که درجه تمایز ساختاری می‌تواند یکپارچگی را در میان گروه‌ها و افراد ایجاد کند. عوامل مورد نظر بلاو به ویژه عوامل ساختاری اسمی، یکپارچگی را تعیین می‌کنند. در مجموع، یکپارچگی زمانی تأمین می‌شود که بخشی از جامعه بر پایه عواملی چون سن، جنس، نژاد، شغل و همسایگی، به درجه بالایی از همانندی رسیده باشد. ناهمگونی بیش از اندازه، موانعی بر سر راه یکپارچگی اجتماعی ایجاد می‌کند. (۸)

تری بلوم دو فرضیه برگرفته از نظر بلاو را به آزمون کشیده است:

یک. ناهمگونی قومی، کنش‌های متقابل اقوام را با وجود رواج ترجیح‌های درون‌گروهی، تقویت می‌کند.

دو. ناهمگونی مذهبی، کنش‌های متقابل مذاهب را با وجود شیوع ترجیح‌های درون‌گروهی ترغیب می‌کند.

بر اساس نظریه بلاو، چنانچه عوامل همانندی در امتزاج با هم عمل کنند، همدیگر را تقویت کرده و از گزینش برون‌گروهی جلوگیری خواهند نمود.

در خصوص بررسی عوامل تأثیرگذار در سطح یکپارچگی و انسجام اجتماعی، رابرت مرتن معتقد است که بروز بیگانگی اجتماعی موجب نفی پیوندهای اجتماعی می‌گردد. در جامعه‌ای که کار و کوشش و کسب موفقیت برای همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی به طور یکسان پذیرفته‌شده، به خلاقیت و کوشش فراوان ارج گذاشته می‌شود؛ اما به دلیل آنکه وسایل مشروع برای نیل به هدف‌ها به طور یکسان در اختیار همه طبقات به ویژه طبقات پائین قرار ندارد، همین پدیده موجب سرخوردگی و ناکامی‌های بسیار برای طبقات محروم گردیده و این گسیختگی و شکاف بین هدف و وسیله و پیامدهای ناشی از آن، موجب ضعف تعهدات فرد نسبت به هدف‌ها، یا وسایل نهادی‌شده می‌گردد و به نظر مرتن، فرد را در وضعیت بی‌هنجاری قرار می‌دهد. بروز بیگانگی اجتماعی و فرهنگی (انزوای ارزشی) در سطح جامعه، به علت احساس نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی و انحراف از قواعد و ضوابط اخلاقی و وجدان جمعی و همچنین احساس بی‌عدالتی، سرشکستگی، ناراحتی و فشار شدید ناشی از گسستگی و انفصال بنیادین بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی‌شده برای نیل به هدف‌ها، منجر به قطع عضویت فرد در جامعه، عدم احساس حمایت، بدبینی و نفی همه پیوندهای اجتماعی گردیده و در نتیجه موجبات کاهش همبستگی اجتماعی را در جامعه فراهم می‌آورد. (۹)

در ادامه، به منظور بررسی رابطه تئوریک امنیت و همبستگی و انسجام، به تشریح نظریه اجتماع امنیتی دوویچ و همچنین گفتمان امنیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۱. اجتماع امنیتی

مفهوم اجتماع امنیتی از دو عنصر اجتماع و امنیت تشکیل شده که در ادبیات جامعه‌شناسی در دو معنا به کار می‌رود؛ یکی قلمرو و سرزمین و دیگری پیوندهای مشترک و حس تعلق. در شکل ناب، جوهره اصلی اجتماع قابل تأویل به علقه اجتماعی و تعهدات مشترک نسبتاً پایدار بین کنشگران می‌باشد.

دوویچ، اجتماع امنیتی را اجتماع گروهی از مردم بر اساس اطمینان متقابل می‌داند. شاخصه‌هایی که در خصوص اجتماع مطرح گردیده، در چارچوب معیار تعهد به منظور شکل‌گیری اجتماع امنیتی قرار دارد. این اندیشه‌پرداز، بر ارتباطات و ضرورت آن در اجتماع به منظور فراهم‌شدن زمینه‌های همفکری، همدلی و همکاری تأکید دارد. از معیارها و ویژگی‌های اجتماع امنیتی، می‌توان به تعلق به هویت جمعی و سیاسی، تعاملات پایدار، وابستگی متقابل، نهادهای مشترک، اعتماد متقابل، هنجارها و ایده‌های مشترک و ثبات داخلی اشاره کرد. معیاری که منجر به پیوند بازیگران و اعضای اجتماع می‌گردد، هویت جمعی است که از دو جنبه حائز اهمیت می‌باشد. نخست به دلیل تمایز خودی و غیرخودی و دوم از جهت بهایی که اعضای اجتماع امنیتی حاضر هستند برای احساس وفاداری به گروه خود بپردازند. نهادگرایی چندجانبه یکی از دیگر معیارهای تشکیل اجتماع امنیتی است. نهادها می‌بایستی تجلی هویت جمعی و ارزش‌های مشترک اجتماع امنیتی باشند و قواعد درونی آنها، بر اساس اجماع عام و سازش و مصالحه بر اساس عادات میان اعضا اجرا گردد. اعتماد نیز از معیارهای بسیار مهم تشکیل اجتماع امنیتی است. می‌توان استدلال کرد که رابطه اعتمادآمیز، هویت‌ها را شکل می‌دهد، هنجارها را تقویت می‌کند و به غلبه بر منافع اختلاف‌زا کمک کرده و از طرفی دیگر، هویت‌ها و هنجارهای مشترک منجر به افزایش اعتماد می‌گردد. اساس اعتماد، تجربه، وفاداری و پیوند است؛ یعنی عنصری تاریخی و مفهومی در آن وجود دارد. اعتماد ترکیبی از تجربه درباره گذشته و امید نسبت به آینده است. اجتماع امنیتی در چارچوب کشور یا واحد سیاسی ادغامی میان کشورهای مستقل، بدون از دست دادن استقلال و حاکمیت، قابل طرح است. (۱۰)

۲. گفتمان امنیتی در جمهوری اسلامی ایران

مشروعیت سیاسی و کارآمدی دستگاه حکومت، عمده‌ترین مبانی امنیت پایدار را در جامعه اسلامی تشکیل می‌دهند. بر اساس این تحلیل، مشروعیت سیاسی نظام، تابع کارآمدی آن است. تأکید بر مشروعیت سیاسی به عنوان مبنای امنیت داخلی، در بلندمدت دارای مفروضاتی است

که بر اساس آن، اولاً تهدیدهای داخلی مهمتر از تهدیدات خارجی نظام است و در ثانی، زمانی که کشور از لحاظ داخلی نیرومند و نظام سیاسی مشروع و مورد اعتماد مردم باشد، تهدیدهای خارجی، امنیت ملی را مخدوش نخواهند کرد.

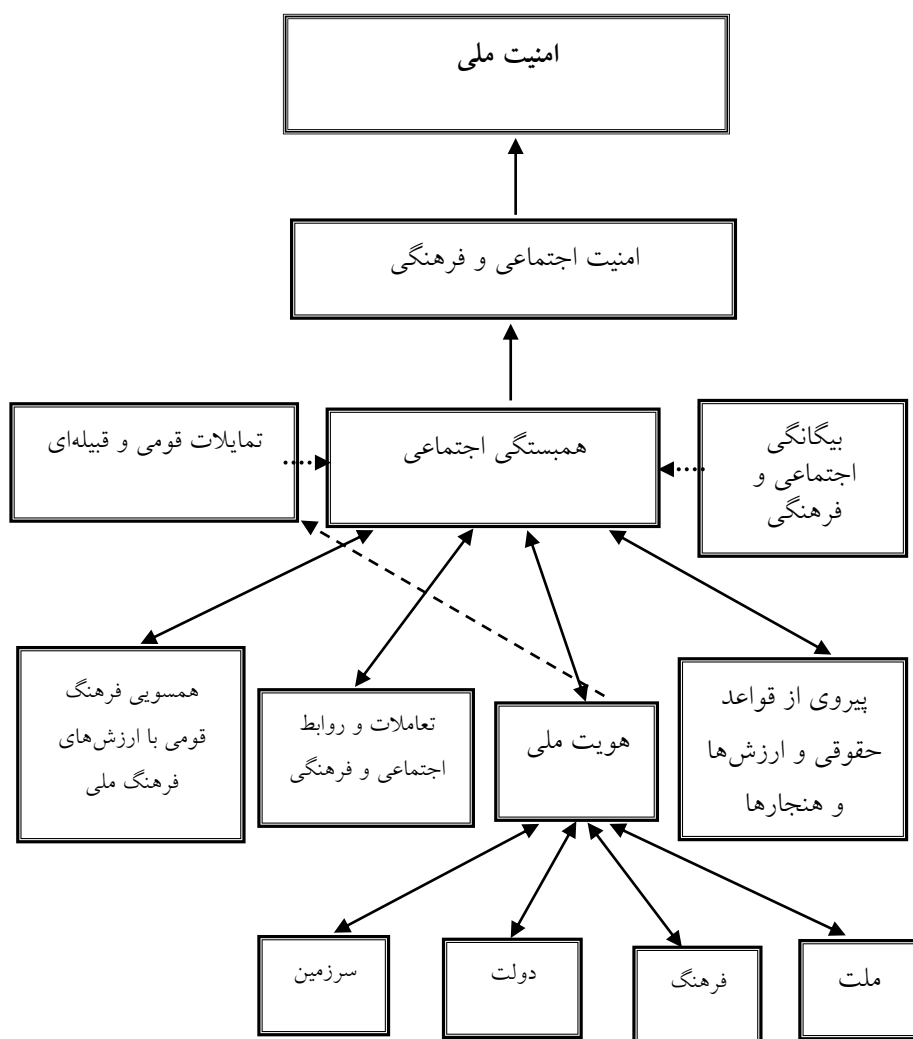
بنابراین، کارآمد کردن دستگاههای سیاسی در حوزه‌های مختلف، شرط اصلی بقا و ضامن اعتماد مردم به آن خواهد بود. تأکید بر ابعاد اقتصادی امنیت و توسعه اقتصادی، نه فقط در تضاد و تعارض با ارزش‌های انقلابی و اسلامی قرار نمی‌گیرد؛ بلکه حفظ آن منوط به توانمندی‌های اقتصادی نظام می‌شود. امنیت مردم مبنای اصلی حاکمیت است و بدون امنیت مردم، امنیت نظام سیاسی و بقای آن غیرممکن می‌شود. امنیت مردم و امنیت حاکمیت دو روی یک سکه هستند و امنیت ملی با غفلت از هر دو جزء آن، ناقص خواهد بود. بنابراین بهترین راه تأمین امنیت ملی، حفظ پیوند امنیت مردم با امنیت حاکمیت است. (۱۱)

از بررسی اجمالی تئوری‌های مرتبط با همبستگی اجتماعی و امنیت ملی، چنین دریافته‌ایم که رعایت قواعد حقوقی و هنجارها به عنوان نهاد انسجام‌بخش در جامعه محسوب شده و بهترین معرف همبستگی اجتماعی می‌باشند.

همچنین می‌توان از تئوری‌های مرتبط چنین استنباط کرد که هرگونه اختلال در تفاهم نمادی و تفاهم فرهنگی و بروز آنومی اجتماعی در جامعه و همچنین کاهش تعاملات سازنده فرهنگی و اجتماعی میان افراد و اقوام از یک سو و توزیع نابرابر فرصت و کاهش اعتماد اجتماعی (اعتماد به دولت) از سوی دیگر، وفاق و همبستگی اجتماعی در جامعه را کاهش می‌دهد. بر اساس نظریات دانشمندان، هویت ملی و گرایش به ابعاد و مصادیق آن، موجب همبستگی و انسجام می‌باشد که بر اساس احساس تعهد و تعلق عاطفی و وجوه مشترک شکل می‌گیرد.

با عنایت به تحلیل نظریات علمی و تئوری‌های موجود، می‌توان دریافت که بهترین راه تأمین امنیت ملی، تقویت اعتماد اجتماعی متقابل، هویت جمعی و تعاملات پایدار می‌باشد که موجب تقویت هنجارها گردیده و همبستگی اجتماعی را ارتقا و نظم اجتماعی و نظام سیاسی را استحکام می‌بخشد.

حال با توجه به روابط ممکن بین متغیرهای مؤثر در مسأله و ارتباط مفهومی و نظری میان آنها و همچنین به منظور تعیین چارچوب نظری، چشم‌انداز زیر را به صورت تئوریک می‌توان ارائه داد:



امنیت ملی زمانی مورد تهدید قرار می‌گیرد که همبستگی اجتماعی کاهش یافته و تحت تأثیر گرایش به تمایلات قومی و بیگانگی اجتماعی تضعیف گردد. در صورتی که گرایش به سرزمین و اعتماد به دولت (گرایش به حاکمیت)، نسبت به سطح تمایلات قومی پایین‌تر باشد، گرایش به هویت ملی تحت تأثیر قرار گرفته و چنانچه ارزش‌های فرهنگ قومی با ارزش‌های فرهنگ ملی در تضاد باشد، هویت قومی تشدید می‌شود و روابط درون‌گروهی افزایش یافته و به تبع آن، تعاملات و روابط اجتماعی و فرهنگی بین اقوام کاهش می‌یابد و بلعکس.

ب. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش

در این مقاله، متغیرهای مستقل و وابسته زیر به عنوان عوامل مهمی که برای تحلیل نهایی ضریب امنیتی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

۱. همبستگی اجتماعی

متغیر وابسته و اصلی، همبستگی اجتماعی است که از نظر مفهومی عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر و عوامل عدیده‌ای که امکان ارتباط درونی و پیوستگی افراد کشور را در مورد واکنش به مسایل خاص از جمله پایداری در قبال مسایل مهم امنیتی، به ویژه در پاسخگویی به تهدیدات امنیت ملی در ابعاد مختلف، فراهم می‌نماید. مقیاس‌های معتبر این متغیر به قرار زیر می‌باشد:

۱.۱. گرایش به هویت ملی

یک. احساس تعلق به سرزمین؛ که تمایل به حفظ تمامیت ارضی، حساسیت به میهن و تمایل به سکونت در کشور، به عنوان شاخص‌های آن در نظر گرفته شده است.

دو. گرایش به حاکمیت (دولت جمهوری اسلامی ایران)، شامل تمایل به حفظ حاکمیت در برابر براندازی، نگرش به احساس مسئولیت دولت‌مردان، همکاری با برنامه‌های ملی دولت، وجود حساسیت به حاکمیت.

سه. پذیرش اجتماعی (گرایش به ملت)، شامل تمایل به وصلت، همکاری و معاشرت، تمایل به همسایگی، و هم‌محل‌بودن و زندگی در میان سایر اقوام و تمایل به پذیرش سایر اقوام در میان آنها (طیف بوگاردوس).

چهار. توافق در حفظ ارزش‌های فرهنگ ملی (پای‌بندی به ارزش‌های دینی مذهبی، نمادهای ملی و میهنی، نفی سلطه، اعتقاد به غرور ملی و ایرانی‌بودن).

۲-۱. گرایش به قانون

به معنای پذیرش ارادی قوانین و قواعد و هنجارهای اجتماعی است. میزان روحیه مقابله به مثل، بی‌تفاوتی در اجرای قوانین، قضاوت در اجرای عدالت از سوی مسئولین، التزام به رعایت تمام قوانین و کشش به سوی نافرمانی، از جمله شاخص‌های این عنوان است.

۳-۱. تعاملات و روابط اجتماعی و فرهنگی

به معنای میزان همدردی، همکاری، مشورت، همفکری و معاشرت در روابط اجتماعی است.

۲. بیگانگی اجتماعی و فرهنگی

- به معنای احساس انفعال (به صورت فکری، ذهنی و رفتاری) در برابر برخی وجوه و جنبه‌های فرهنگی اجتماعی جامعه خود است. (۱۲)

- احساس تنفر و رد و انکار بی‌میلی در فعالیت اجتماعی، بدبینی و نفی پیوندهای اجتماعی و عدم تبعیت از هنجارهای اجتماعی توسط فرد .

- قضاوت در خصوص اوضاع محرومین جامعه، بیان تأثیر مسائل و مشکلات به مسئولین، اعتماد به دیگران، آینده‌نگری و اطمینان به آینده.

۳. تمایلات قومی و قبیله‌ای

قوم، شامل گروهی از انسان‌هاست که مبنای مشترک داشته و بر پایه معیارهایی چون نژاد، زبان و ملیت پدید می‌آید. اعضای گروه قومی در درون اکثریتی متمایز قرار گرفته و از پیوندهای خود آگاهی بیشتر می‌یابند. این افراد، بر حفظ ارزش‌های فرهنگ خاص خود تأکید داشته و مطابق هنجارها و سنت‌های خود رفتار می‌نمایند. (۱۳)

تأکید بر انتخاب محل سکونت و زندگی بر اساس ملاحظات قومی و خویشی، زبان ترکمنی، وابستگی به شجره و طایفه قومی، تعاملات فرهنگی درون‌گروهی از جمله شاخص‌های ارزش‌های فرهنگ قومی و تأکید بر حفظ پیوندهای خونی و تباری (صیانت از قوم)، اعتقاد به هنجار کیفری و خون صلح از هنجارهای قومی و قبیله‌ای می‌باشد.

۴. امنیت اجتماعی و فرهنگی

شرایطی است که در چارچوب آن، آرامش خاطر افراد جامعه در برابر آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات اجتماعی و فرهنگی تأمین می‌شود (۱۴). از جمله موارد تحقق امنیت اجتماعی، قانونمندی، حفظ ارزش‌های فرهنگ ملی و تفاهم در میان خرده‌فرهنگ‌های متفاوت است.

بالابودن میزان همبستگی اجتماعی و پایین‌بودن سطح آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و فرهنگی منجمله بیگانگی اجتماعی و فرهنگی و تمایلات قومی و قبیله‌ای، سطح ضریب امنیتی را در جامعه افزایش می‌دهد.

بالابودن میزان همبستگی اجتماعی به مفهوم بالابودن سطح تمایلات افراد جامعه مورد مطالعه نسبت به هویت ملی و ابعاد آن و همچنین قانون‌گرایی و بالابودن میزان روابط و تعاملات اجتماعی فرهنگی است.

ج. نتایج به دست آمده از تحلیل متغیرها

۱. هویت ملی

سنجش میزان هویت ملی در جامعه مورد مطالعه، به لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری در همبستگی اجتماعی و به منظور تعیین رابطه با تمایلات قومی در مرحله آزمون فرضیه، از ضروریات می‌باشد. وضعیت گرایش جامعه نمونه به هویت ملی و عنصر تشکیل‌دهنده و شاخص آن در جدول زیر ارائه شده است:

نتیجه کلی سوگیری در جامعه نمونه	تحلیل آماری عناصر هویت ملی			وضعیت شاخص‌ها		مقیاس	
	سطح به دست آمده	میانگین نمرات	انحراف استاندارد				
تمایلات سرزمینی در جهت مثبت و بالا	۰/۷۱	۱۰/۷۴	۲/۱۰	متوسط بالا متوسط	علاقه به کشور تمایل به فداکاری حساسیت به میهن	جغرافیای سیاسی	هویت ملی ۰/۶۳ id= نفر ۲۰۰ n=
نگرشی مثبت و در حد متوسط نسبت به حاکمیت ملی	۰/۶۳	۱۲/۶۶	۲/۸۵	متوسط ضعیف متوسط بالا	همکاری به حفظ حاکمیت نگرشی به عملکرد مسئولان، اعتقاد به وجود حاکمیت، تمایل به همکاری با دولت	حاکمیت ملی (دولت)	
توافق نسبتاً بالا در حفظ ارزش‌های فرهنگ ملی	۰/۷۴	۱۴/۹۹	۲/۵۲	بالا متوسط بالا متوسط	دین‌باوری، اعتقاد به نمادهای ملی، اعتقاد به نفی سلطه، اعتقاد به غرور ملی (ایرانیت)	فرهنگ	
توافق نسبی در پذیرش اجتماعی	۰/۵۳	۸/۵۸	۳/۷۳	متوسط ضعیف متوسط	پذیرش سایرین به همسایگی، توافق در سکونت میان اقوام، تمایل به سکونت سایرین در میان آنها	ملت (پذیرش اجتماعی)	

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، سطح نگرش کلی جامعه نمونه نسبت به هویت ملی در حد متوسط نسبت به استاندارد قرار دارد. میزان پذیرش اجتماعی، متوسط؛ توافق در حفظ ارزش‌های فرهنگ ملی، نسبتاً بالا؛ سطح اعتقاد نسبت به حاکمیت، متوسط و تمایلات سرزمینی، نسبتاً بالا می‌باشد. آنچه حائز اهمیت است، اعتقاد به عملکرد نسبتاً ضعیف کارگزاران دولت است. عدم وجود واگرایی در بعد سرزمینی و دین‌باوری و نفی سلطه، به عنوان ارزش‌های فرهنگی و ملی، از نقاط قوت در جامعه مورد مطالعه محسوب می‌گردد.

۲. همبستگی اجتماعی

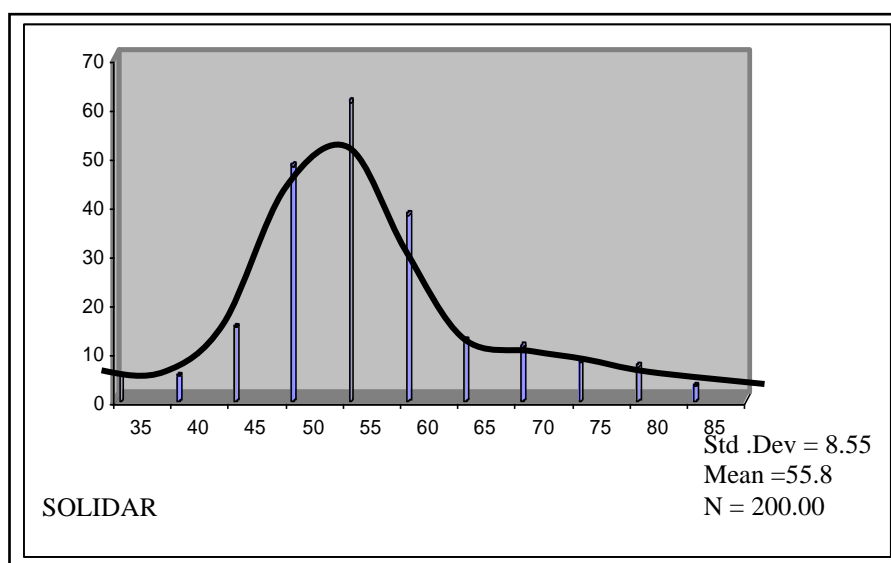
سنجش میزان همبستگی، هدف اصلی این مقاله است که با توجه به عناصر و عوامل مرتبط با آن، تجزیه و تحلیل گردیده و نتایج به دست آمده، در جدول زیر خلاصه شده است:

تحلیل آماری			وضعیت شاخص و معیارها (سوگیری و نتیجه کلی)		
سطح به دست آمده	میانگین	انحراف استاندارد			
۰/۶۴ متوسط	۴۷/۲۵	۷/۶۴	مثبت و بالا متوسط مثبت و بالا متوسط	سرزمین دولت فرهنگ ملت	هویت ملی
۰/۶۱ متوسط	۱۲/۳	۲/۷۱	تمایل بالا ضعیف تمایل بالا ضعیف	کمک و همدردی معاشرت همکاری و تعاون مشورت و همفکری	تعاملات و روابط اجتماعی و فرهنگی
۰/۶۱ متوسط	۱۳	۳/۲۸	مثبت و بالا منفی و پائین متوسط متوسط	عدم روحیه مقابله به مثل قضاوت در عملکرد قانونی مسئولین نگرش به التزام عملی اعتقاد به اجرای قوانین	پذیرش ارادای قوانین (قانونگرایی)

همبستگی
اجتماعی
n=۲۰۰
ss=0/58

به منظور دستیابی به میزان همبستگی در جامعه نمونه، نتایج به دست آمده از پاسخ به گویه‌های مختلف در عناصر متشکله همبستگی اجتماعی و نگرش تک تک افراد جامعه نمونه مورد بررسی قرار گرفت که حاصل آن در نمودار زیر ارائه شده است:

نمودار ۱: وضعیت همبستگی اجتماعی در جامعه نمونه



نظر به اینکه، توزیع امتیازات به دست آمده در میزان همبستگی اجتماعی افراد جامعه نمونه نرمال نمی‌باشد، می‌توان گفت که ضعف نسبی میزان همبستگی اجتماعی در جامعه مورد نظر مشهود است.

میزان همبستگی اجتماعی، ۰/۵۸۵ در سطح استاندارد بوده و انحراف استاندارد به دست آمده، شاخص مناسبی برای همبستگی و انسجام نمی‌باشد. هرچه انحراف استاندارد کوچکتر باشد، انسجام بیشتر است. (۱۵)

۳. بیگانگی اجتماعی

میزان بیگانگی اجتماعی به عنوان یکی از تهدیدکننده‌های همبستگی و انسجام اجتماعی، بر اساس قضاوت افراد نمونه در شاخص‌های تدوین‌شده، در سطح متوسط توصیف گردیده و نتایج به دست آمده در جدول زیر خلاصه شده است:

متغیر مستقل تجزیه و تحلیل آماری	SOCIAL ANOMY = ۰/۶۶ بیگانگی اجتماعی N=۲۰۰				
	نگرش ابهام‌آمیز به آینده	عدم آینده نگری	عدم اعتماد به دیگران	عدم تأثیر بیان مسائل به مسئولین امر	روند طبقات محروم
انحرافات استاندارد و میانگین به دست آمده	۱/۱۳	۱/۱۹	۱/۱۶	۰/۹۷	۰/۹۹
	۲/۸	۳/۳	۲/۴	۲/۸۷	۴

قضاوت در ابهام‌آمیزبودن آینده و اعتقاد به عدم بهبود وضعیت طبقات محروم جامعه، در بروز بیگانگی تأثیرگذار می‌باشند.

۴. تمایلات قومی و قبیله‌ای

یکی دیگر از عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی، برابر تعریف مفهومی مقاله، تمایلات قومی می‌باشد که بر اساس ارزش‌های فرهنگ قومی و هنجارهای قومی و قبیله‌ای، برابر شاخص‌های معتبر، تجزیه و تحلیل گردیده است. وضعیت تمایلات قومی در جدول صفحه بعد ارائه شده است.

با توجه به این جدول نتایج به دست آمده، تمایلات قومی در سطح جامعه مورد مطالعه نسبتاً قوی توصیف می‌شود.

۰/۷۱ = تمایلات قومی $n = 200$							
ارزش‌های فرهنگ قومی				هنجارهای قومی و قبیله‌ای			
وضعیت مقیاس‌ها و شاخص‌های مربوطه	وابستگی قومی	آشنایی به زبان و ادبیات قومی	میزان اطلاع از شجره و طایفه	تأکید بر روابط درون‌گروهی	صیانت از خون و تبار	تأکید بر هنجار کیفری	خون صلح
	قوی	متوسط	قوی	قوی	قوی	ضعیف	خیلی ضعیف
انحراف استاندارد					۱/۰۳		
میانگین					۷/۸		
سطح به دست آمده					۰/۶۲		

د. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اصلی در این مقاله، رابطه بین تمایلات قومی و همبستگی اجتماعی را بیان کرده است. داده‌های مربوط به این فرضیه، با استفاده از آزمون آماری غیرپارامتریک پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج حاصل، بیانگر رابطه معکوس و معنادار بین متغیر تابع و تمایلات قومی می‌باشد ($\alpha=0.01, r = -0.221$). یعنی افزایش تمایلات قومی در جامعه نمونه، موجب کاهش همبستگی اجتماعی گردیده است. میزان تأثیر متغیر مستقل تمایلات قومی، به عنوان عامل تهدیدکننده، طی آزمون اثر اصلی، با بهره‌گیری از جداول واریانس مورد ارزیابی قرار گرفت. نسبت F به دست آمده در سطح $\alpha = 0.05$ ، برابر با ۱/۳۸۶ و میزان تأثیر مشاهده‌شده ۰/۸۶۲ با درجه آزادی $df=18$ می‌باشد.

نظر به اینکه نسبت مجموع مربعات میانگین به مربع میانگین خطا بیشتر از ۱ است؛ یعنی ($F=1/386$)، می‌توان گفت که عامل تمایلات قومی، به علت رابطه معکوس و معنادار با همبستگی اجتماعی و به علت میزان تأثیر مشاهده‌شده در تحلیل واریانس، پیشگویی‌کننده

معتبری برای متغیر همبستگی اجتماعی می‌باشد. به بیان دیگر، تأثیر نامطلوب آن بر همبستگی اجتماعی کاملاً محرز بوده و عامل تهدیدکننده به حساب می‌آید.

- دومین فرضیه مهم این مقاله، به رابطه معکوس و معنادار بین همبستگی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی اشاره دارد.

رابطه بین متغیرهای فوق طی تجزیه و تحلیل آماری و با استفاده از آزمون آماری رتبه‌ای اسپیرمن، معنادار توصیف گردید ($\alpha=0.01, r=0/346$).

همچنین، به منظور پاسخ به سؤال دیگر تحقیق مبنی بر تأثیرپذیری متغیر تابع همبستگی اجتماعی از بیگانگی اجتماعی، با بهره‌گیری از آزمون اثر اصلی جدول واریانس، نشان داد که نسبت F به دست آمده؛ یعنی $3/852$ ، فرض صفر مبتنی بر عدم تأثیر متغیر بیگانگی اجتماعی بر متغیر (وابسته) همبستگی اجتماعی را در سطح معناداری $\alpha=0.05$ ، در جامعه نمونه، رد می‌کند.

با توجه به اثبات فرضیه و منفی بودن رابطه بین دو متغیر و میزان تأثیر به دست آمده در آزمون تحلیل واریانس، می‌توان نتیجه گرفت که بیگانگی اجتماعی در همبستگی اجتماعی تأثیر نامطلوب دارد. بنابراین، به عنوان یکی دیگر از عوامل تهدیدکننده به شمار می‌آید.

همچنین، مقاله حاضر شامل سه فرضیه فرعی به قرار ذیل می‌باشد:

یک. با توجه به اینکه هویت ملی، به عنوان متغیر میانجی، از مهمترین عوامل تشکیل‌دهنده همبستگی و انسجام می‌باشد، فرضیه‌ای که بر اساس چارچوب تئوریک و مفروضات مقاله باشد، تحت عنوان «رابطه میان تمایلات قومی و هویت ملی» تدوین شده است. فرض بر این بود که چنانچه تحت هر شرایطی، گرایشات قومی افزایش یابد، باعث کاهش سطح گرایش به هویت ملی می‌گردد. داده‌های مربوط به این فرضیه با استفاده از آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه به دست آمده، بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین گرایش به هویت ملی و تمایلات قومی است که رابطه منفی و معنادار بین گرایش به هویت ملی و تمایلات قومی را نشان می‌دهد ($\alpha=0.05, r=0/152$)؛ هرچند که شدت آن ضعیف می‌باشد.

دو. به منظور پی بردن به ارتباط و همسویی میان ارزش‌های فرهنگ ملی و ارزش‌های فرهنگ قومی، طی آزمون آماری همبستگی پیرسون، فرضیه فرعی دیگری مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل بیانگر عدم ارتباط و همسویی معنادار بین دو متغیر فوق است ($\alpha=0.05, r=0/083$). بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که نگرش جامعه نمونه نسبت به ارزش‌های فرهنگ ملی و ارزش‌های فرهنگ قومی متفاوت است .

تفاوت مشاهده شده طی آزمون T بین دو میانگین وابسته در سطح $\alpha=0.01$ با درجه آزادی $df=199$ مورد بررسی قرار گرفت. فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت میان دو متغیر پیش گفته در جامعه رد شد.

سه. به منظور بررسی نقش و میزان ارتباط هریک از متغیرها با متغیر اصلی همبستگی اجتماعی و همچنین بررسی عوامل تقویت کننده و تضعیف کننده آن، نتایج به دست آمده از توصیف متغیرها با بهره گیری از آزمون آماری اسپیرمن در جدول زیر خلاصه گردیده است:

متغیرهای مستقل متغیر تابع	تمایلات قومی	بیگانگی اجتماعی	اعتماد اجتماعی	روابط تعاملات اجتماعی	قانونگرایی	ارزش‌های فرهنگ ملی	هویت ملی
همبستگی اجتماعی	-۰/۱۹۰	-۰/۳۶۴	۰/۶۵۵	۰/۵۱۳	۰/۶۸۰	۰/۴۹۱	۰/۸۳۱
$n=200$ ضریب همبستگی بین متغیرها در سطح مقادیری $\alpha=0.01$							

اطلاعات مندرج در جدول، نشان می‌دهد که تکیه بر ارزش‌های فرهنگ ملی و اعتقاد به نظام و روابط اجتماعی و قانونگذاری و به ویژه هویت ملی، از عوامل تقویت کننده همبستگی اجتماعی هستند. میزان ارتباط و جهت آن، بیانگر این واقعیت است و آزمون آماری تحلیل واریانس دوطرفه در خصوص تأثیر عامل هویت ملی بر همبستگی اجتماعی، میزان تأثیر قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. ($R=0/823, F= 20/312$)

بنابراین، تأکید بر هویت ملی و مصادیق آن، سبب تقویت همبستگی اجتماعی می‌گردد.

ه. تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده در چارچوب امنیت ملی

به منظور رسیدن به هدف نهایی و ویژه تحقیق، ابتدا بر آن شدیم که به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر اینکه امنیت ملی چگونه از همبستگی اجتماعی متأثر است، پاسخ دهیم. آنچه تا کنون مورد بررسی قرار گرفت، توصیف متغیرهای اصلی و رسیدن به رابطه و تأثیر عوامل تهدیدکننده و تقویت‌کننده بر همبستگی و انسجام اجتماعی بود. جدول ذیل به توصیف متغیرهای اصلی تحقیق اختصاص دارد.

خیلی ضعیف ۰/۲-۰/۳۶	ضعیف ۰/۳۷-۰/۵۲	متوسط ۰/۵۳-۰/۶۸	قوی ۰/۶۹-۰/۷۹	خیلی قوی ۰/۸۰-۱	
-	-	۰/۵۸۵	-	-	همبستگی اجتماعی
-	-	-	۰/۷۱	-	تمایلات قومی
-	-	۰/۶۶	-	-	بیگانگی اجتماعی

موضوع همبستگی اجتماعی در موقعیت ژئوپولیتیکی و در جامعه چندقومی ایران با توجه به سیاست‌های امنیتی قدرت‌های برتر و مسایل و مشکلات اجتماعی تهدیدکننده آن، در شرایط کنونی حائز اهمیت می‌باشد و با عنایت به اینکه همبستگی اجتماعی یکی از عوامل نامحسوس قدرت ملی در هر جامعه است، می‌توان گفت امنیت ملی به طور نسبی زمانی تأمین می‌گردد که همبستگی اجتماعی در سطح قابل قبولی ارتقا یابد.

از جمع‌بندی نتایج به دست آمده، چنین دریافتیم که به علت ضعف در باورهای افراد جامعه نمونه در برخی عوامل و مصادیق هویت ملی، منجمله اعتماد اجتماعی که ناشی از باور به ضعف عملکرد کارگزاران می‌باشد، پذیرش اجتماعی و همچنین سطح تعاملات اجتماعی و فرهنگی با سایر اقوام هم‌میهن، در سطح نسبتاً پایین قرار دارد. از سوی دیگر، از جمله عواملی

که بر اساس مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به تحقیق حاضر، همبستگی و انسجام اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد، بیگانگی اجتماعی و فرهنگی و همچنین افزایش تمایلات قومی و قبیله‌ای است. (نظریه رابرت مرتن و نظم اجتماعی چلبی).

بر اساس قضاوت افراد نمونه، میزان بیگانگی اجتماعی که عمدتاً ناشی از احساس محرومیت و بی‌عدالتی به ویژه در طبقات پائین جامعه و ابهام‌آمیز بودن آینده می‌شد، در حد متوسط توصیف گردید و تمایلات قومی و قبیله‌ای نیز که بر مبنای تأکید جامعه نمونه بر ارزش‌ها و هنجارهای قومی به ویژه زبان و صیانت از خون و تبار خویشاوندی، یعنی دو عامل ساختاری که همدیگر را تقویت می‌نمودند، مشخص می‌شود، در حد بالا قرار دارد.

ارتباط دو متغیر فوق (تهدیدکننده‌ها) و تأثیر آنها بر متغیر تابع همبستگی اجتماعی، از طریق آزمون‌های آماری به اثبات رسید. نتایج به دست آمده، علاوه بر اینکه پاسخگوی سؤالات تحقیق می‌باشد، با نظریات علمی مطرح‌شده در ادبیات تحقیق نیز همخوانی دارد.

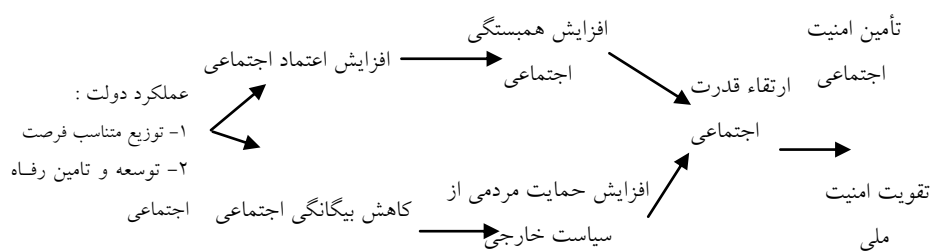
همچنین، تجزیه و تحلیل‌های آماری در روند تحقیق، نشان داد که توجه به مصادیق و مؤلفه‌های هویت ملی، قانون‌گرایی، تعاملات اجتماعی و فرهنگی، باعث تقویت همبستگی اجتماعی می‌گردد.

در ارزیابی هم‌سویی ارزش‌های فرهنگ ملی با ارزش‌های فرهنگ قومی در جامعه مورد مطالعه، انتظار می‌رفت که حداقل رابطه‌ای بین این دو ارزش (متغیر) برقرار باشد؛ اعم از رابطه منفی یعنی تضاد یا توافق و هم‌سویی، که چنین نشد و معلوم گردید که جامعه مورد مطالعه، ضمن تأکید بر ارزش‌های فرهنگ ملی، از ارزش‌های فرهنگ قومی محافظت نموده و به آن علاقه‌مند است و از این بابت نیز تهدیدی متصور نیست. بنابراین، نتیجه به دست آمده تأثیری در افزایش یا کاهش همبستگی اجتماعی ندارد.

با توجه به جمع‌بندی نتایج و تجزیه و تحلیل انجام‌گرفته، می‌توان گفت که ضعف در کلیه عوامل متشکله همبستگی اجتماعی در هر یک از گروه‌های قومی، به لحاظ تأثیر منفی و کاهش قدرت اجتماعی که از مهمترین مؤلفه‌های تأمین‌کننده قدرت ملی است (با توجه به تعریف امنیت ملی بر حسب قدرت ملی)، مستقیماً در امنیت ملی اثرگذار می‌باشد و به عبارتی، همبستگی اجتماعی در امنیت ملی تأثیر مستقیم دارد و تضعیف آن توسط عوامل تهدیدکننده از

قبیل بیگانگی اجتماعی و تمایلات قومی، موجب کاهش بیشتر ضریب امنیتی خواهد گردید. این امر در صورت تعمیم به سایر گروه‌های قومی، تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی به شمار می‌رود و جامعه چندقومی ایران را در صورت مزمن شدن و توسعه، آسیب‌پذیر می‌سازد. احراز امتیاز در سطوح متوسط از منظر کیفیت اجتماع برای اقوام متفاوت در جامعه چند قومی به ویژه در بعد اعتماد اجتماعی (اعتماد به حاکمیت سیاسی) که ناشی از ضعف عملکرد یا سوءعملکرد باشد، به هنگام پایداری در برابر تهدیدات امنیت ملی، از جمله حفظ و حمایت از حاکمیت، بخشی از جامعه را حداقل در حوزه بی‌تفاوتی قرار می‌دهد و بدین ترتیب قدرت ملی ناشی از پشتوانه مردمی را تضعیف می‌نماید.

وجود بیگانگی اجتماعی که ناشی از محرومیت، سوءاعتماد و یا ابهام در وضعیت آینده جامعه می‌باشد، به واسطه تأثیر نامطلوب در میزان همبستگی اجتماعی، اوضاع جامعه را به وضعیت بی‌هنجاری و غیرنرمال سوق خواهد داد. بنابراین، حمایت اجتماعی از سیاست‌های دولت در مقابله با فرهنگ بیگانه را با مشکل مواجه می‌نماید و برعکس، توزیع متناسب فرصت‌ها و جلب اعتماد مردم و همچنین رفع محرومیت، موجب بالارفتن سطح رضایت عمومی و کاهش سطح بیگانگی اجتماعی شده و همبستگی اجتماعی را تقویت و پایداری مردمی را در حمایت از سیاست خارجی تضمین می‌نماید. بنابراین نتایج تحلیلی در مدل زیر قابل تبیین می‌باشد:



نتیجه‌گیری

در قالب نتیجه‌گیری، می‌توان پیشنهاداتی را به منظور افزایش سطح همبستگی اجتماعی، کاهش میزان عوامل تهدیدکننده آن، رفع نقاط ضعف به دست آمده و در نتیجه، افزایش ضریب امنیتی در جامعه ارائه نمود:

- به طور کلی می‌بایست به مصادیق و ابعاد هویت ملی از طریق توسعه تبلیغات رسانه‌ای و آموزش در جامعه، به ویژه در مدارس و خانواده، توجه ویژه معمول گردد.
- به منظور افزایش میزان تعاملات اجتماعی و فرهنگی، به مسافرت‌های بین استانی به ویژه سفرهای علمی و مطالعاتی و گردشگری در محیط فرهنگی و علمی در مدارس و دانشگاه‌ها، توجه شود.
- عدالت اجتماعی و قانون‌گرایی در حد مقدر در جامعه نهادینه شده و نسبت به رفع محرومیت و بی‌کاری به ویژه در طبقات پائین، گام‌های ملموسی برداشته شود.
- ارزش‌های مشترک فرهنگی از قبیل تلاش برای توسعه و رفاه به عنوان هدف ملی مورد توجه قرار گیرد.
- تماس مستقیم و فراگیر فرهنگی از طریق مجامع فرهنگی و علمی با جامعه مورد مطالعه برقرار و صدا و سیمای استان تقویت شود.
- به تقویت سایر عوامل ساختاری از طریق همانندسازی منزلت اجتماعی و اقتصادی بدون در نظر گرفتن مسایل قومی، مذهبی و زبانی توجه شود.
- توزیع مناسب فرصت در ابعاد مختلف با در نظر گرفتن شایسته‌سالاری و بدون توجه به قوم و قشر خاص در سطح کشور، مورد توجه قرار گیرد.
- به توسعه آموزش زبان فارسی در مجامع علمی و فرهنگی، به ویژه در مدارس، بدون ایجاد محدودیت در آموزش زبان‌های محلی توجه شود.

یادداشت‌ها

۱. ابراهیم حاجیانی، «الگوی سیاست قومی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۲۵.
۲. فرامرز رفیع‌پور، *توسعه و تضاد*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ پنجم، ص ۱۲۵.
۳. عزت‌الله عزتی، *ژئوپلتیک قرن بیست‌ویکم*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، چ پنجم، ۱۳۸، ص ۲۶۱.
۴. جورج ریترز، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۱.
۵. غلامعباس توسلی، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶، ص ۲۵۰.
۶. مسعود چلبی، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵، ص ۳۰.
۷. همانجا، ص ۲۸۷.
۸. *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، پیشین، ص ۵۷۱.
۹. علیرضا محسنی تبریزی، *آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان*، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰، ص ۱۴.
۱۰. علی عبدالله خانی، *نظریه‌های امنیت*، تهران مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰.
۱۱. امیرحسین علینقی، «مفهوم‌شناسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *گزارش پژوهشی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، ص ۵۴.
۱۲. *آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان*، پیشین، ص ۱۷۷.
۱۳. حسین گودرزی، *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰.
۱۴. سیدمجتبی تهامی، *امنیت ملی و دکتترین*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۰، ص ۷۹.
۱۵. چارلز میلر دلبرت، *راهنمای تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۳.